تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۳۲

پوست‌اندازی طبقه متوسط

سیاست اجتماعی در ایران سال‌هاست بیشتر بر زنده نگه داشتن دهک‌های پایین متمرکز شده است. این حمایت ضروری است، اما کافی نیست. اکنون باید سیاستی ویژه برای جلوگیری از سقوط دهک‌های میانی نیز طراحی شود. چون اگر طبقه متوسط فروبریزد، بار حمایتی دولت در سال‌های بعد، به‌مراتب سنگین‌تر خواهد شد.

اینجاست که ضرورت تدوین یک راهبرد مبتنی بر دولت رفاهی معنا پیدا می‌کند. دولت رفاهی می‌تواند با مداخله هدفمند، به مردمی که با طنابی پوسیده از این طبقه آویزان مانده‌اند، دست یاری برساند.

یارانه نقدی، کالابرگ و بسته معیشتی می‌تواند برای دهک‌های بسیار پایین نقش مُسکن داشته باشد، اما برای طبقه متوسط کفایت نمی‌کند. این طبقه فقط با چند قلم کالای اساسی زنده نمی‌ماند؛ به امنیت شغلی، ثبات درآمد، دسترسی به اینترنت، درمان قابل پرداخت، مسکن قابل دسترس و امکان مشارکت در زندگی فرهنگی نیز نیاز دارد.

منابع محدود است و هر روز محدودتر می‌شود؛ بنابراین حمایت موثر باید به‌جای وام‌پاشی‌های نمایشی و طرح‌های پراکنده، به بازسازی چرخه تولید، احیای واحدهای آسیب‌دیده، تامین مواد اولیه، کاهش هزینه‌های سربار، تسهیل صادرات، رفع موانع گمرکی و فعال کردن زنجیره عرضه هدایت شود.

اگر بنگاه‌های کوچک و متوسط دوباره راه بیفتند، خود جامعه بخشی از بار بحران را به دوش می‌کشد.



یادداشت روز

۱۰ تاکتیک رسانه‌ای مسموم برای تسویه حساب با بانک مرکزی

■ کتایون مصری، سردبیر ارشد موسسه بازارپول وارز

با ورود رسانه‌ها به دوران پسامدرن و حاکمیتِ تفکر نقّاد، پرسشگری و پاسخ‌خواهی در فرایند اطلاع‌رسانی بیش ازگذشته نمود یافت تا درکنار کارکردِ سنتی رسانه‌ها مانند افزایش آگاهی، نظارت بر قدرت، شفاف‌سازی، تقویت فرهنگی و انسجام اجتماعی، دغدغهٔ مردم‌خواهانهٔ رسانه‌ها عینیت بیشتری یابد. درواقع، «نقد» درجهت منافع ملی، یکی از ابزارهای جامعه برای ارتباط با قدرت است، اما در بسیاری از زمان‌ها، این نقد نه‌تنها دغدغه‌ای برای پیگیری حق مردم، ندارد که ابزاری برای تسویه‌حساب های شخصی و گروهی است و رسانه، به ابزاری برای زورآزمایی‌های سیاسی تبدیل می‌شود. حکایت این دسته از رسانه‌ها را می‌توان در منتقدان «حذف ارز ترجیحی» یا «تلاشگران شبانه‌روزی القای اختلاف میان رییس کل بانک مرکزی با وزیر اقتصاد» و «دلسوزان افزایش تورم و نگرانی از معیشت مردم» یافت. انتقاد، حق رسانه است، اما چه زمانی این حق، وسیلهٔ تخریب و تسویه‌حساب است نه نگرانی از منافع ملی؟ تاکتیک‌های زیر بخشی از جریان مسموم اطلاع رسانی را برای تخریب ونه پیگیری حق مردم نشان می‌دهد:

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

پاکستان افزایش واردات برق از ایران را تصویب کرد

وام بازنشستگان کشوری از ۲۴ اردیبهشت در ۱۰ نوبت پرداخت می‌شود

سقف معافیت مالیاتی رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی-هنری ۹۶۰ میلیون تومان شد

تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۳۲

چرا ارز ترجیحی به سفره مردم نرسید؟

مسعود توکلی، کارشناس ارشد پولی و ارزی با انتقاد از تداوم سیاست‌های سرکوب ارزی و چندنرخی بودن ارز در سال‌های گذشته، تأکید کرد که ارز ترجیحی نه‌تنها به معیشت مردم کمک نکرد، بلکه زمینه‌ساز رانت و آربیتراژ شد. او راهکار اصلاح بازار ارز را حرکت به سمت سازکارهای شفاف، بازارمحور و تقویت نقش بازارساز بانک مرکزی دانست. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

■ سیاست ارز ترجیحی اساساً با چه هدفی شکل گرفت، در طول سال‌های گذشته چه نتایجی به همراه داشت و تا چه اندازه به اهدافش رسید؟

واقعیت این است که اگر به گذشته نگاه کنیم، یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران، کنترل قیمت‌ها و حمایت از معیشت مردم، به‌ویژه دهک‌های پایین جامعه بوده است. بر همین اساس، در طول دو تا سه دهه گذشته همواره نوعی ارز ترجیحی در اقتصاد ایران وجود داشته؛ از ارز ۱۲۲۶ تومانی گرفته تا ۴۲۰۰ تومان و بعدتر ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان.



اما به مرور زمان، فاصله میان نرخ ارز ترجیحی و نرخ بازار آزاد به حدی افزایش پیدا کرد که حساسیت‌های جدی ایجاد شد. دلیلش هم روشن بود؛ هرچه نرخ ارز افزایش پیدا می‌کرد، شکاف میان این دو نرخ به‌صورت تصاعدی بزرگ‌تر می‌شد. ما شاهد بودیم که این اختلاف در مجموع ارزهای تخصیصی به هزار همت هم رسید. درنهایت این سؤال جدی برای سیاست‌گذار و افکار عمومی ایجاد شد که این یارانه پنهانی که در قالب ارز ترجیحی پرداخت می‌شود، دقیقاً چه اثری بر معیشت مردم داشته است؟

قرار بود این یارانه به سفره مردم برسد، اما وقتی عملکرد آن را ارزیابی کردیم، دیدیم چنین اتفاقی رخ نداده است. به‌عنوان مثال، برای واردات نهاده‌های کالاهای اساسی ارز ارزان تخصیص داده می‌شد تا قیمت کالاهایی مانند مرغ کاهش پیدا کند، اما علی رغم پروپاگاندای واردکنندگان و منتفعین ارز ترجیحی، وقتی قیمت‌ها را در بازار مقایسه می‌کردیم، می‌دیدیم نرخ مرغ در تهران تفاوت معناداری با بازارهای جهانی ندارد. حتی اگر قیمت فروشگاه‌های آنلاین خارجی مانند آمازون یا والمارت را بررسی می‌کردید، مشاهده می‌شد که عملاً آن یارانه اثر خود را بر قیمت نهایی نگذاشته است.

یعنی قرار بود مرغ با یک‌سوم قیمت واقعی به دست مردم برسد، اما در عمل همان نرخ جهانی را پرداخت می‌کردند. همین مسئله باعث شد حساسیت جدی ایجاد شود و این پرسش مطرح شود که این منابع دقیقاً کجا می‌رود؟ چون این پول که از بین نرفته بود؛ طبیعتاً جایی در این زنجیره رسوب می‌کرد و به جیب گروه‌هایی خاص می‌رفت.

به همین دلیل دولت تصمیم گرفت ارز ترجیحی را از ابتدای زنجیره حذف کرده و یارانه را به انتهای زنجیره منتقل کند. چراکه زنجیره توزیع بسیار طولانی و پر از حلقه‌های مختلف بود و هر ضعف یا ناکارآمدی در این مسیر می‌توانست باعث هدررفت منابع شود.

■ آیا می‌توان نتیجه گرفت که آن اختلاف قیمت به سمت رانت و فساد حرکت کرد و به مصرف‌کننده نهایی نرسید؟

دقیقاً همین‌طور است. نتیجه عملی آن کاملاً قابل مشاهده بود. وقتی قیمت کالاها را در بازار جهانی و فروشگاه‌های آنلاین بررسی می‌کردیم، می‌دیدیم عملاً تفاوتی وجود ندارد. این نشان می‌داد که یارانه در جایی از مسیر حذف می‌شود و به مردم نمی‌رسد. طبیعتاً این منابع به جیب عده‌ای منتقل می‌شد. حالا به قول همان تعبیر معروف؛ «پیدا کنید پرتقال فروش را».

■ دولت طی حدود یک سال گذشته به سمت حذف ارز ترجیحی حرکت کرده است. این تصمیم تا چه اندازه توانسته آن شکاف قیمتی و فساد ناشی از آن را کاهش دهد و در شرایط فعلی اقتصاد کشور چقدر مؤثر بوده است؟

واقعیت این است که اقتصاد مجموعه‌ای از پارامترهای درهم‌تنیده است و اصلاح یک سیاست اشتباه، به‌تنهایی نمی‌تواند همه مشکلات را حل کند.

حجم بالای نقدینگی، رشد پایه پولی و سیاست های بعضاً ناهماهنگ پولی و ارزی همچنان بر بازار اثر می‌گذارند.

■ ارسال پرونده بانک‌های متخلف به هیأت انتظامی بانک مرکزی

دوره بی‌انضباطی در خلق نقدینگی به سر رسید

هیأت عامل بانک مرکزی با ارجاع پرونده چند بانک که تخطی عمده‌ای از ضوابط در حوزه کنترل رشد نقدینگی و پایه پولی داشته‌اند به هیأت انتظامی بانک مرکزی موافقت کرد.

این اقدام با هدف جلوگیری از بی‌انضباطی بانک‌ها در خلق نقدینگی انجام می‌شود و با نظارت و پایش دقیق عملکرد شبکه بانکی کشور از رشد پایه پولی و نقدینگی فراتر از اهداف مقرر و تعیین شده پیشگیری می‌کند.

در جلسه ۲۱ اردیبهشت ماه هیات عامل این بانک همچنین مقرر شد به سایر بانک‌های خاطی در این زمینه نیز اخطار و تذکر کتبی برای لزوم رعایت حدود ابلاغی که در ابتدای هر فصل توسط بانک مرکزی ابلاغ می‌شود، داده شود. در صورت عدم توجه موسسات اعتباری به این ضوابط، مطابق قانون و ضوابط مربوطه مشمول اقدامات نظارتی و انتظامی بانک مرکزی خواهند شد.

تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۳۲



نظارت روزانه بر رشد نقدینگی و پایه پولی

اولویت بانک مرکزی مهار شتاب تورم است

عبدالناصر همتی؛ رئیس‌کل بانک مرکزی اولویت اصلی سیاست‌گذار پولی را کنترل تورم برشمرد و گفت: تمام اقدامات و برنامه‌های بانک مرکزی در چارچوب این هدف راهبردی انجام می‌شود.

همتی با تاکید بر کنترل عوامل تورم مزمنِ کشور نظیر پولی شدن کسری بودجه دولت به دلیل آثار جنگ و تداوم تحریم‌ها، تصریح کرد: بانک مرکزی در عین حمایت از ثبات نظام تامین مالی دولت، اقدامات لازم برای به حداقل رساندن آثار تورمی آن را پیگیری می‌کند.

رئیس هیات عالی بانک مرکزی، عنوان کرد: در حوزهٔ سیاست پولی، بانک مرکزی با جدیت، کنترل و کاهش شتاب رشد نقدینگی را پیگیری می‌کند تا از تجربهٔ رشد بالای نقدینگی و تورم ناشی از آن جلوگیری شود. این سیاست به‌ویژه در شرایطی که نیاز ریالی تامین مالی دولت به دلیل کاهش درآمدهای دولت افزایش یافته از اهمیت دوچندان برخوردار است. رشد نقدینگی و پایهٔ پولی به صورت روزانه تحت مدیریت دقیق قرار دارد و ابزارهای جذب نقدینگی برای مدیریت آن به کار گرفته می‌شود.

از جنگ تا اوج؛ داستان اژدهای برخاسته

پایان جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۵ کشوری را برجای گذاشت که بخش بزرگی از زیرساخت‌ها و توان تولیدی آن نابود شده بود. دهه‌ها جنگ با فرانسه و سپس ایالات متحده، علاوه بر تلفات انسانی گسترده، اقتصاد این کشور را به شدت تضعیف کرده و بخش مهمی از زمین‌های کشاورزی، جاده‌ها، پل‌ها و تأسیسات صنعتی را تخریب کرده بود.

ویتنام همچنین در سال‌های پس از جنگ با تحریم‌های اقتصادی و انزوای بین‌المللی روبه‌رو بود که روند بازسازی را دشوارتر می‌کرد.

با این حال، دولت این کشور با اتخاذ مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری و برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت توانست اقتصاد خود را بازسازی و آن را به یکی از اقتصادهای پویا در آسیای جنوب شرقی تبدیل کند. تجربه ویتنام اغلب به عنوان نمونه‌ای مهم از تاب‌آوری اقتصادی در شرایط پساجنگ مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

تجربه ویتنام نشان می‌دهد که حتی کشوری که از جنگی طولانی و ویرانگر خارج شده است، می‌تواند با ترکیبی از اصلاحات اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، توسعه سرمایه انسانی و ادغام در اقتصاد جهانی مسیر رشد و توسعه را طی کند. سیاست‌های اصلاحی «دوی موی» نقطه آغاز این تحول بودند و در ادامه، راهبردهای دولت در زمینه جذب سرمایه خارجی، تنوع‌بخشی اقتصادی و توسعه زیرساخت‌ها توانستند پایه‌های یک اقتصاد مقاوم و پویا را بنا کنند.

امروزه ویتنام با حفظ نرخ رشد اقتصادی بالا، کاهش چشمگیر فقر و افزایش سطح رفاه اجتماعی، به یکی از نمونه‌های موفق توسعه در میان کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است؛ الگویی که نشان می‌دهد تاب‌آوری اقتصادی و سیاست‌گذاری بلندمدت می‌تواند کشوری جنگ‌زده را به اقتصادی در حال شکوفایی تبدیل کند.

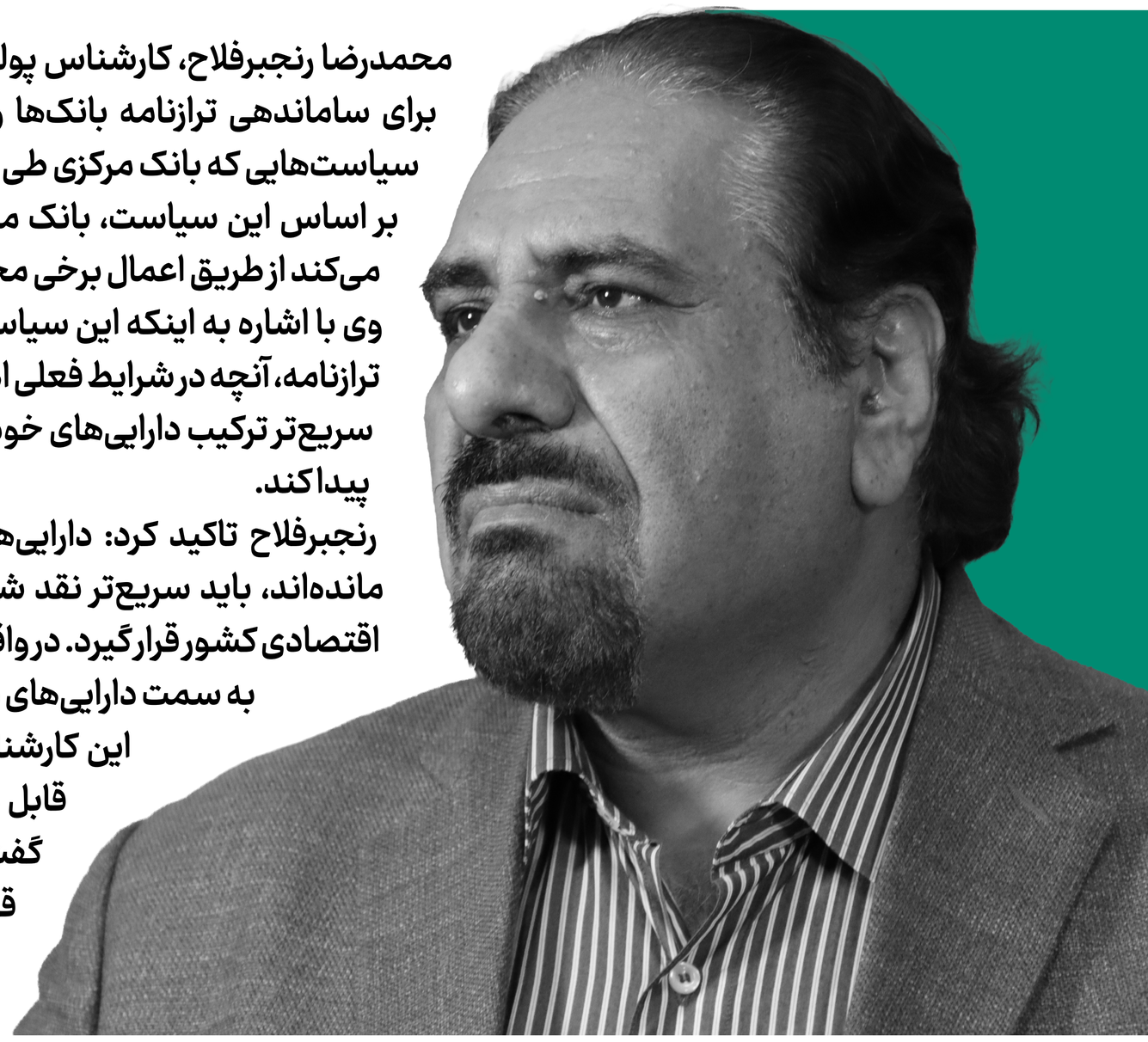




تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۳۲

دارایی‌ها به اوراق قابل معامله در بازار سرمایه تبدیل شود

راهکار بازکردن قفل دارایی‌ها در ترازنامه بانک‌ها



محمدرضا رنجبرفلاح، کارشناس پولی و بانکی و مدیرعامل پیشین بانک تجارت، درباره سیاست بانک مرکزی برای ساماندهی ترازنامه بانک‌ها و الزام بانک‌های ناتراز به اصلاح وضعیت مالی خود، اظهار کرد: یکی از سیاست‌هایی که بانک مرکزی طی سال‌های اخیر در دستور کار قرار داده، کنترل مقداری ترازنامه بانک‌هاست.

بر اساس این سیاست، بانک مرکزی اجازه نمی‌دهد ترازنامه بانک‌ها از حد مشخصی فراتر برود و تلاش می‌کند از طریق اعمال برخی محدودیت‌ها، مانع رشد بی‌ضابطه ترازنامه شبکه بانکی شود.

وی با اشاره به اینکه این سیاست تاکنون چندان موفق نبوده است، افزود: با وجود اهمیت کنترل رشد ترازنامه، آنچه در شرایط فعلی اهمیت بیشتری دارد، اصلاح درونی ترازنامه بانک‌هاست. بانک‌ها باید هرچه سریع‌تر ترکیب دارایی‌های خود را اصلاح و بهینه کنند؛ به‌گونه‌ای که بازدهی دارایی‌ها در ترازنامه افزایش پیدا کند.

رنجبرفلاح تاکید کرد: دارایی‌هایی که بازدهی پایینی دارند یا به شکل راکد در ترازنامه بانک‌ها باقی مانده‌اند، باید سریع‌تر نقد شوند و منابع حاصل از آن از مسیر تسهیلات و اعتبارات، در خدمت نظام اقتصادی کشور قرار گیرد. درواقع بانک‌ها باید از نگهداری دارایی‌های کم‌بازده فاصله بگیرند و منابع خود را به سمت دارایی‌های مولد و پربازده هدایت کنند.

این کارشناس پولی و بانکی در ادامه، تبدیل دارایی‌ها و تسهیلات بانک‌ها به اوراق قابل معامله در بورس را یکی از راهکارهای مناسب در شرایط فعلی دانست و گفت: به نظر می‌رسد در این مقطع، تبدیل سریع‌تر دارایی‌های بانک‌ها به اوراق قابل معامله در بازار سرمایه می‌تواند راهگشا باشد. بخشی از تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت کرده‌اند، قابلیت تبدیل به اوراق را دارد و می‌توان آنها را در بورس به فروش رساند.

اوپک زیر فشار جنگ

برندگان و بازندگان نظم جدید نفتی

تحولات اخیر بازار نفت تنها به کاهش تولید یا اختلال صادرات محدود نمی‌شود؛ آنچه اکنون در اوپک جریان دارد، نشانه شکل‌گیری آرایش تازه‌ای از قدرت میان اعضای این سازمان است. کاهش شدید تولید عربستان، عراق و کویت در پی جنگ و محدودیت‌های حمل‌ونقل دریایی، در مقابل افزایش تولید امارات، ونزوئلا و لیبی، عملا توازن سنتی در اوپک را دستخوش تغییر کرده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد تصمیم اوپک برای مدیریت بحران اخیر، نه‌تنها باعث افت تاریخی تولید شده، بلکه شکاف میان اعضایی را که دارای مسیرهای جایگزین صادراتی هستند و کشورهایی که به خلیج فارس وابسته مانده‌اند، آشکارتر کرده است. بحران اخیر، اوپک را وارد مرحله‌ای تازه کرده است؛ مرحله‌ای که در آن شکاف میان اعضای برخوردار از زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر و اعضای وابسته به مسیرهای سنتی صادراتی آشکارتر از همیشه شده است.



ویدیو



